

اگر آمریکا باید کمونیستی شود

لئون تروتسکی

ترجمه: ژاله سهند

آگوست ۱۹۳۴

برای آرشیو اینترنت تروتسکی توسط سالی رایان رونویسی شده است.

از لیبرتی، ۲۳ مارس ۱۹۳۵

تجدید چاپ شده در بین الملل چهارم، ۲. NO. ۱۲. ۷. ماه های مارس و آوریل سال ۱۹۵۱، ۵۷-۵۴. pp.

مقدمه از بین الملل چهارم

کمپین حمایت شده توسط سرمایه دار در تعقیب افسونگران (hunters witch) بر علیه ایده های مارکسیستی، امروز هدفش اینست که این تصور غلط را بوجود بیاورد که کمونیسم بطور کامل با زندگی آمریکایی بیگانه و مخالف رفاه مردم آمریکا است. در دهه سی، در امتداد گسترش سریع احساسات ضد سرمایه داری پس از رکود بزرگ، علاقه مندی توده ای قابل توجهی در چشم انداز یک آمریکای کمونیستی بوجود آمد. در این خصوص سردبیران مجله آزادی برای دست یابی به چشم اندازی دور از آن چیزی که آینده کمونیست برای آمریکا در چنته دارد به تروتسکی روی آوردند.

همبخشی تروتسکی، در خطاب به جامعه گسترده آلوده به تعصبات ضد کمونیستی و بیزار شده توسط استالینیسیم، بدنبال این بود که نشان دهد که چه طرق پیشرفت گسترده ای توسط یک انقلاب سوسیالیستی پیروز شده در پیشرفته ترین کشور جهان برای آنها میسر خواهد گشت. این مقاله در ۲۳ مارس سال ۱۹۳۵ در مجله آزادی بچاپ رسید که در آن زمان به بحث های زیادی در مطبوعات دامن زد.

اگر آمریکا در نتیجه مسائل و مشکلاتی که نظام اجتماعی سرمایه داری شما قادر به حل و فصل آنها نیست، روی به کمونیسم آورد، در خواهد یافت که کمونیسم به دور از استبداد بوروکراتیک غیر قابل تحمل و گروه بندی فردی، بوجود آورنده آزادی فردی بیشتر و وفور سهم بری بیشتر خواهد بود.

در حال حاضر بسیاری از مردم آمریکا کمونیسم را تنها در پرتو تجربه اتحاد جماهیر شوروی در نظر می آورند. آنها می ترسند که مبادا شورا گرایی در آمریکا برای آنان همان نتیجه مادی ای را به ارمغان بیاورد که برای مردم از لحاظ فرهنگی عقب مانده اتحاد جماهیر شوروی ببار آورد.

آنها وحشت دارند که مبادا کمونیسم سعی نماید که آنها را با تخت (Procrustes ۱) همسان گرداند، و آنها به سنگر محافظه گرایی آنگلوساکسون به مثابه یک مانع فائق نیامدنی حتی برای رفرمهای احتمالا مطلوب اشاره میکنند. آنها استدلال می کنند که بریتانیای کبیر و ژاپن علیه حکومت شوراهای آمریکایی دست به مداخله نظامی خواهند زد. آنها مضطربند که مبادا آمریکایی ها در عادات لباس پوشیدن و رژیم غذایی خود مقید شوند، و ادار شوند که با جیره دوره قحطی زدگی زندگی را بگذرانند، مجبور به خواندن تبلیغات رسمی کلیشه ای در روزنامه ها شوند، ناگزیر شوند که به مثابه مهری پلاستیکی برای تصمیم گیری که بدون مشارکت فعال خودشان اتخاذ گردیده به خدمت گرفته شوند و یا از آنان درخواست شود که افکار خود را برای خود نگه دارند و با صدای بلند رهبران شورایی خود را در ملاء عام، در ترس از زندان و تبعید ستایش نمایند.

آنها از تورم پولی، استبداد بوروکراتیک و نوار قرمز غیر قابل تحمل در به دست آوردن ضروریات زندگی وحشت دارند. آنها از استاندارد گذاری بی روح در هنر و علوم، و همچنین در ضروریات زندگی روزمره وحشت دارند. آنها وحشت دارند که تمام خودانگیختگی سیاسی و آزادی مفروض مطبوعات توسط دیکتاتوری یک بوروکراسی هیولا گونه نابود شود. و آنها در تفکر اینکه مجبور به رانده شدن به یک سیالیت غیر قابل درک دیالکتیک مارکسیستی و فلسفه اجتماعی تحت نظم و ترتیب، بشوند مرتعش هستند. آنها در یک کلمه وحشت دارند که امریکای شورایی معادل آنچیزی شود که به آنها گفته شده که روسیه شورایی به مانند آن است.

در واقع حکومت شوراهای آمریکایی از شوراهای روسی متفاوت خواهند بود، همانگونه که پرزیدنت روزولت ایالات متحده آمریکا از امپراطوری روسیه تزار نیکلای دوم متفاوت است. با اینحال کمونیسم در آمریکا تنها میتواند از طریق انقلاب بوقوع بپیوندد، درست همانگونه که استقلال و دموکراسی در آمریکا به وقوع پیوست. خلق و خوی آمریکایی پرانرژی و خشن است، و قبل از آنکه کمونیسم بصورتی مستحکم بنیاد شود، بر روی شکستن مقدار قابل توجهی از ظروف و گاریهای سیب پافشاری خواهد کرد. آمریکایی ها پر شور و شوق و ورزشکارانند، پیش از آنکه متخصص و سیاستمدار باشند، و این امر بر خلاف سنت آمریکایی خواهد بود که بدون جانبداری و شکستن سرها، دست به ایجاد یک تغییر بزرگ بزند.

در هر حال، انقلاب کمونیستی آمریکا، به لحاظ ثروت ملی و جمعیت خود در مقایسه با انقلاب بلشویکی در روسیه، صرف نظر از آنکه چقدر هزینه نسبی آن عظیم باشد، بی اهمیت خواهد بود. به دلیل آنکه جنگ داخلی با سرشت انقلابی توسط تعداد انگشت شماری از مردان از بالا مبارزه نمی شود- ۵ یا ۱۰ درصدی که مالک نه دهم ثروت آمریکا است، این تعداد انگشت شمار می توانند ارتش ضدانقلابی خود را تنها از میان طبقات متوسط پایین استخدام نمایند. با این حال، انقلاب با نشان دادن آنکه تنها شوراهای می توانند چشم انداز نجات را به آنها ارائه دهند، به راحتی می تواند آنها را به زیر درفش خود جذب نماید.

همه کسانی که در پایین دست این گروه قرار دارند در حال حاضر از لحاظ اقتصادی برای کمونیسم آماده هستند. رکود اقتصادی طبقه کارگر شما را ویران کرده است و ضربه ای خرد کننده به کشاورزان وارد آورده است، که در حال حاضر با سقوط طولانی مدت کشاورزی دهه پس از جنگ لطمه دیده است. هیچ دلیلی وجود ندارد که این گروه ها باید با مقاومتی مصمم با انقلاب مقابله نمایند؛ آنها هیچ چیزی برای از دست دادن ندارند، البته با ارائه آنکه رهبران انقلابی سیاست دور اندیشانه و ملایمی را به سوی آنان اتخاذ نمایند.

چه کسان دیگری بر علیه کمونیسم مبارزه خواهند کرد؟ محافظان جانی بیلیونرها و میلیاردرهای متعدد شما؟ میلیونرهایی با ثروت چند میلیونی؟ ملون ها، مورگانها، فورد ها و راکفلرهای شما؟ آنها مبارزه را در اسرع آنکه موفق نشوند مردم دیگری را پیدا نمایند که برای آنها بجنگند، متوقف خواهند کرد.

دولت شورایی آمریکایی، قاطعانه فرماندهی بالای بانکها، صنایع کلیدی و سیستم های حمل و نقل و ارتباطات را در دست خواهد گرفت. سپس به کشاورزان، به پیشه وران کوچک و صاحبان شرکتهای داد و ستد بخوبی وقت طولانی خواهد داد که به مسائل فکر کنند و ببینند که چگونه بخش ملی صنایع کارکرد خواهد داشت.

اینجا جایی است که شوراهای آمریکایی می توانند معجزه ای واقعی بیافرینند. "تکنوکراسی" تنها تحت کمونیسم، هنگامی که دستهای مرده حق مالکیت خصوصی و سود شخصی از سیستم صنعتی شما برداشته شود، می تواند به حقیقت پیوندد. شجاعانه ترین طرح های کمیسیون هوور در مورد استاندارد کردن و عقلانی نمودن، در مقایسه با امکانات نوینی که از طریق کمونیسم آمریکایی فراهم می آید، کودکانه به نظر می رسند.

صنعت ملی در امتداد دستگاه خط انتقالی در کارخانجات خودرو مدرن با تولید مداوم سازمان داده خواهد شد. برنامه ریزی علمی از کارخانه فردی بر گرفته خواهد شد و به تمامیت سیستم اقتصادی اعمال خواهد گشت. نتایج شگفت انگیز خواهند بود.

هزینه های تولید به ۲۰ درصد یا کمتر، از ارقام فعلی خود کاهش خواهند یافت. این، به نوبه خود، به سرعت قدرت خرید کشاورزان را افزایش خواهد داد.

برای اطمینان، شوراهای آمریکایی شرکت های غول پیکر زراعی خود را به مثابه مدارس اشتراکی داوطلبانه ایجاد خواهند کرد. کشاورزان شما به راحتی می توانند محاسبه کنند که آیا به نفع منافع فردی آنان بود که بمتابسه حلقه هایی منفرد باقی بمانند و یا آنکه به جامعه به پیوندند.

همین روش برای پیوستن شرکتهای کوچک به سازمان صنعت ملی اتخاذ خواهد شد. با کنترل شورایی مواد خام، اعتبارات و سهمیه سفارشات، این صنایع ثانوی می توانند حلال مشکلات نگه داشته شوند تا زمانی که بصورت تدریجی و غیر اضطراری بدون سیستم کسب و کار اجتماعی مکیده شوند.

بدون اجبار! شوراهای آمریکایی نیازی به توسل جویی به اقدامات جدی ای که شرایط، اغلب به روس ها تحمیل کرده است، ندارند. در ایالات متحده، از طریق دانش روابط اجتماعی و تبلیغات، شما ابزار برنده شدن حمایت طبقه متوسط خود را که در اتحاد جماهیر شوروی عقب مانده با اکثریت قریب به اتفاق بینوایان و دهقانان بی سواد خود، دور از

دسترس بودند، را دارید. این، علاوه بر تجهیزات فنی و ثروت شما، بزرگترین سرمایه انقلاب کمونیستی آینده شما است.

انقلاب شما در سرشت خود ملایم تر از انقلاب ما خواهد بود، شما، انرژی و منابع خود را در درگیری های اجتماعی پرهزینه پس از تصمیم گیری بر روی مسائل اصلی، به هدر نخواهید داد؛ و شما در نتیجه سریعاً به پیش خواهید تازید.

حتی شدت و وابستگی به احساسات مذهبی در آمریکا، مانعی بر سر راه انقلاب نمودار نخواهد کرد. اگر چشم انداز شوراهای در آمریکا در نظر گرفته شود، هیچ یک از بازدارندگان روانی به اندازه کافی اثبات نخواهد کرد که فشار بحران اجتماعی را بتعویق اندازد. این امر بیش از یک بار در طول تاریخ نشان داده شده است. علاوه بر این، نباید فراموش شود که انجیل خود بخشا حاوی کلمات قصار بسیار انفجاری است.

در مورد مخالفان نسبتاً معدود انقلاب شوروی، می توان به نبوغ مبتکر آمریکا اعتماد کرد. این شاید به خوبی ممکن باشد که شما میلیونرهای غیر متقاعد خود را گرفته و به برخی از جزایر زیبا، برای همیشه بدون اجاره، جایی که آنها می توانند هر آنچه را که خوشایند آنان است، انجام دهند، بفرستید.

شما می توانید با خیال راحت اینرا انجام دهید، برای اینکه شما نیاز به ترس از مداخلات خارجی ندارید. ژاپن، بریتانیا و کشورهای سرمایه داری دیگر که در روسیه دخالت نمودند نمی توانند هیچ کاری انجام دهند، بجز آنکه بگذارند کمونیسم آمریکا به سرانجام رسد. در حقیقت، پیروزی کمونیسم در آمریکا - این دژ محکم سرمایه داری - باعث خواهد گشت که کمونیسم به کشورهای دیگر گسترش یابد. ژاپن احتمالاً به صفوف کمونیستی حتی قبل از استقرار شوراهای آمریکایی خواهد پیوست. این بدرستی در مورد بریتانیای کبیر صدق می کند.

در هر صورت، حتی به مثابه یک حمله به طرف جنوب و نصف قاره محافظه کارتر شما باشد، این یک ایده دیوانه واری خواهد بود که ناوگان اعلیحضرت بریتانیا را بر علیه حکومت شورایی آمریکا روانه کرد. این امر می تواند نا امید کننده باشد و هرگز فرا تر از یک فرار نظامی درجه دوم نرود.

در عرض چند هفته یا چند ماه از استقرار شوراهای آمریکایی، پان آمریکنیسم یک واقعیت سیاسی خواهد گردید.

دولت های آمریکای مرکزی و جنوبی بمانند براده های آهن به آهن ربا، به همینگونه کانادا، بسوی فدراسیون شما جذب خواهند گشت.

جنبش های مردمی در این کشورها به حدی قدرتمند خواهند بود که در یک دوره کوتاه و با هزینه هایی ناچیز این پروسه اتحاد سترگی را به پیش خواهند راند. من آماده هستم که شرط ببندم که اولین سالگرد شوراهاى آمریکایی، نیمکره غربی را خواهد یافت که به شوراهاى متحده آمریکای شمالی، جنوبی و مرکزی، با پایتخت خود در پاناما، مبدل گردد. بدین گونه برای اولین بار دکترین مونرو معنایی کامل و مثبت در امور جهانی خواهد گرفت، اگر چه نه آنی که توسط نویسنده اش پیش بینی شده است.

علیرغم شکایت برخی از محافظه کاران افراطی شما، روزولت برای متحول نمودن شوراهاى متحده آمریکا آمادگی فراهم نمی سازد.

NRA هدفش نه از بین بردن، بلکه تقویت پایه های سرمایه داری آمریکا به منظور غلبه کرد نمودن بر مشکلات کسب و کار شماست. نه عقاب آبی، بلکه مشکلاتی که عقاب آبی ناتوان است که بر آن فائق آید، کمونیسم را به آمریکا خواهد آورد. استادان "رادیكال" مغز های شرکتهای اتحادی شما، اقلابی نیستند: آنها فقط محافظه کاران وحشت زده ای هستند. رییس جمهور شما از "سیستم" و "عمومیت بخشیدن" متنفر است، اما یک دولت شورایی، بزرگترین همه سیستمهای ممکن است، کلیتی غول آسا در عمل است.

انسان در حد متوسط، سیستم یا کلیات، هر دو را دوست ندارد. این وظیفه دولتمردان کمونیست شماست که سیستم را به حمل کالاهای مشخصی که انسان در حد متوسط خواهان آن است مجهز نماید: مواد غذایی او، سیگار برگ، سرگرمی، آزادی انتخاب کراوات خود، خانه خود و اتوموبیل خود. این آسان خواهد بود که به او این وسایل رفاهی در شوراهاى آمریکایی داده شود.

اکثر آمریکایی ها توسط این حقیقت که ما در اتحاد جماهیر شوروی برای ساخت کل صنایع جدید باید از هیچ شروع می کردیم، گمراه شده اند. چنین چیزی نمی تواند در آمریکا اتفاق بیافتد، جایی که شما در حال حاضر مجبور شده اید در حوضه زراعی و تولید صنعتی خود کاهش ایجاد نمایید. در واقع تجهیزات تکنولوژیکی فوق العاده شما با بحران فلج گردیده و در حال حاضر خواهان آن است که مورد استفاده قرار گیرد. شما از نقطه شروع احیای اقتصادی خود قادر به ایجاد سریع مصرف توسط مردم خواهید شد.

هیچ کشوری به مانند شما برای اینکار آماده نیست. در هیچ کجای دیگری بررسی بازار داخلی به چنین حدتی به مثل ایالات متحده آمریکا نرسیده است. این توسط بانک ها، تراست ها، بازرگانان فردی، تجار، فروشندگان سیار و کشاورزان به عنوان بخشی از فوت و فن آنان بدست آمده است. دولت شورایی شما به سادگی تمام اسرار تجاری را لغو کرده، تمام یافته های این تحقیقات برای سود فردی را ترکیب نموده و آنها را به یک سیستم علمی برنامه ریزی اقتصادی مبدل خواهد کرد. در این، دولت شما توسط وجود طبقه بزرگی از مصرف کنندگان با فرهنگ و منتقد کمک خواهید شد.

با ترکیب صنایع ملی کلیدی، شرکتهای خصوصی و همکاری دموکراتیک مصرف کنندگان، شما به سرعت یک سیستم بسیار انعطاف پذیری را برای خدمت به نیازهای جمعیت خود توسعه خواهید داد.

این سیستم نه با بوروکراسی و نه توسط پلیس، بلکه با پول نقد بکار خواهد افتاد.

دلار قادر مطلق شما سهمی اساسی در ساختار جدید سیستم شورایی شما ایفا خواهد کرد. این یک اشتباه بزرگ است که سعی کنید "اقتصاد برنامه ریزی شده" را با "مدیریت ارزی" ترکیب نمایید. پول شما باید به عنوان تنظیم کننده ای برای اندازه گیری موفقیت یا شکست برنامه ریزی شما عمل نماید.

استادان "رادیکال" شما کاملاً در اعتقادشان به "مدیریت پولی" در اشتباه هستند. این یک ایده دانشگاهی است که به راحتی می تواند کل سیستم توزیع و تولید شما را تخریب نماید. این بزرگترین درسی است که از اتحاد جماهیر شوروی، جایی که در آن ضرورت تلخ مبدل به تقوای رسمی در حوزه پولی شده است، استنتاج گردیده است.

عدم روبل طلای بی ثبات یکی از دلایل عمده بسیاری از مشکلات اقتصادی و فجایع ما است. این غیر ممکن است که دستمزدها، قیمتها و کیفیت کالاها را بدون یک سیستم پولی استوار تنظیم کرد. یک روبل بی ثبات در سیستم شورایی به مثابه در اختیار داشتن قالب هایی بی ثبات در یک کارخانه تسمه نقاله است. این کاربردی نخواهد داشت.

تنها زمانی که سوسیالیسم موفق به جایگزین کردن کنترل اداری با پول گردد، رهایی ارز با ثبات طلا ممکن خواهد گردید. سپس پول به ورقه های کاغذی معمولی مبدل خواهد گشت، مانند بلیط های واگن برقی یا تانتر. به همان اندازه که

سوسیالیسم توسعه می یابد، این کاغذ ها نیز ناپدید می شوند، و کنترل بر روی مصرف فردی - چه توسط پول و یا دولت - هنگامی که همه چیز برای همه بیش از اندازه کافی وجود دارد، دیگر ضروری نخواهد بود!

چنین زمانی هنوز فرا نرسیده است، اگرچه آمریکا قطعا قبل از هر کشور دیگری به آن دست خواهد یافت. تا آن زمان، تنها راه رسیدن به چنین موقعیتی از توسعه، این است که معیار و تنظیم کننده ای موثر را برای کارکرد سیستم خود حفظ نمایید. در حقیقت، در طول چند سال اول، یک اقتصاد برنامه ریزی شده نیاز به پول معتبر حتی بیشتر از آنچه که سرمایه داری قدیمی به آن احتیاج داشت، دارد. پروفیسوری که با هدف تنظیم کل سیستم کسب و کار، واحد پولی را تنظیم میکند، مانند مردی است که تلاش میکند که هر دو پای خود را همزمان از زمین بلند نماید.

آمریکای شورایی به اندازه کافی دارای موجودی طلا برای ایجاد ثبات دلار خواهد بود - سرمایه ای بی بها. در روسیه، ما در حال توسعه کارخانه صنعتی امان با ۲۰ و ۳۰ درصد در سال هستیم، اما - بعلت روبل ضعیف - ما قادر به توزیع این افزایش به طور موثر نبوده ایم. این تا حدودی به دلیل آن است که ما اجازه داده ایم بوروکراسی ما نظام پولی ما را به یکسو نگری اداری میدل نماید. شما از این ضرر در امان خواهید بود. در نتیجه شما تا حد زیادی در هر دوی افزایش تولید و توزیع از ما پیشی گرفته، و این به پیشرفت سریع در آسایش و رفاه جمعیت شما منجر خواهد شد.

با این همه، شما نیاز ندارید که از تولید استاندارد ما برای مصرف کنندگان رقت بارمان تقلید نمایید. ما از روسیه تزاری میراثی فقیر با خود حمل کرده ایم، دهقانانی از نظر فرهنگی توسعه نیافته با یک استاندارد پایین زندگی. ما می بایست کارخانه ها و سدهایمان را بر روی هزینه مصرف کنندگان خود بنا می نهادیم. ما تورم پولی مستمر و بوروکراسی هیولگونه ای داشته ایم.

آمریکای شورایی نباید از روش های بوروکراتیک ما تقلید نماید. در میان ما عدم احتیاجات ضروری باعث شده است که تلاشی شدید برای یک قرص نان اضافه، یک یارد پارچه اضافه توسط همگان صورت پذیرد. در این مبارزه، بوروکراسی ما به مثابه یک سازشکار گام بجلو می نهد، به مثابه یک دادگاه حکمیت مطلق. از سوی دیگر، شما بسیار ثروتمند تر هستید و مشکل اندکی برای عرضه احتیاجات اولیه زندگی برای همه مردم خود خواهید داشت. علاوه بر این، نیازها، سلیقه ها و عادات شما هرگز اجازه نخواهد داد که بوروکراسی شما، درآمد ملی را تقسیم نماید. در عوض، زمانی که شما به جای منفتهای خصوصی، جامعه خود را برای تولید نیازهای انسانی سازمان دهید، کل جمعیت شما،

خود را در اطراف روند و گروه های جدید متمرکز کرده، با یکدیگر مبارزه و از یک بوروکراسی مغرور و علیه اش بر آنان ممانعت می نمایند.

بنابراین شما می توانید با انعطاف پذیر ترین فرم دولتی که تا به حال توسعه یافته است، از رشد بوروکراسیسم توسط عمل شوراها که میشود آنرا دموکراسی نامید، جلوگیری نمایید. سازمان شورایی نمی تواند به معجزه دست یابد، اما باید به سادگی منعکس کننده اراده مردم باشد. شوراهای ما در نتیجه انحصار سیاسی یک حزب واحد، که خود مبدل به بوروکراسی شده است، بوروکراتیزه شده اند. این وضعیت از مشکلات استثنایی پیشگام شدن سوسیالیستی در یک کشور فقیر و عقب مانده ناشی گردید.

شوراهای آمریکایی بدون نیاز یا فرصت برای اقداماتی به مثل شرایطی که بر روسیه تحمیل شده است، اصیل و نیرومند خواهند بود. سرمایه داران حیات نیافتاده شما، البته، هیچ جایی برای خود در وضعیت جدید نخواهند یافت. مشکل است که هنری فورد را به مثابه رئیس شورای دیترویت تصور نمود.

اما مبارزه گسترده مابین ذینفعان، گروه ها و ایده ها نه تنها غیر قابل تصور نیست - بلکه اجتناب ناپذیر است. طرحهای یک ساله، پنج ساله، ده ساله توسعه کسب و کار؛ طرح های برای آموزش و پرورش ملی؛ ساخت و ساز خطوط اساسی جدید حمل و نقل؛ تحول مزارع؛ برنامه برای بهبود تجهیزات تکنولوژیکی و فرهنگی آمریکای لاتین؛ برنامه برای ارتباطات هواشناسی، اصلاح نژاد انسانی - همه اینها جدال، مبارزه انتخاباتی نیرومند و بحث های پرشور و شوروی را در روزنامه ها و در جلسات عمومی بر پا خواهد نمود.

حکومت شورایی آمریکا از انحصار مطبوعات توسط سران بوروکراسی شوروی روسیه تقلید نخواهد کرد. ضمن آنکه حکومت شورایی آمریکا همه کارخانه های چاپ سازی، کارخانه های تولید کاغذ و وسائل توزیع را ملی کرده، این امر می تواند یک اقدام کاملاً منفی باشد. این به سادگی به معنی این است که سرمایه خصوصی دیگر قادر نخواهد بود تصمیم گیری کند که چه نشریاتی باید تاسیس شوند، آیا آنها باید مترقی یا ارتجاعی باشند، "خیس" و یا "خشک" مقدس کرایانه و یا پورنوگرافیک. حکومت شورایی آمریکا باید راه حلی جدید برای این سوال که چگونه قدرت مطبوعات در یک رژیم سوسیالیستی باید عملکرد داشته باشند، بیابد. این ممکن است بر اساس تناسب نمایندگی برای رای گیری در هر انتخابات شورایی انجام شود.

بدین معنا حق هر گروهی از شهروندان در استفاده از قدرت مطبوعات، بستگی به قدرت عددی آنها دارد - پرنسپهای مشابهی در مورد استفاده از سالن های جلسه بکار بسته خواهد شد، تخصیص زمان برای وسایل ارتباط جمعی و غیره.

بنابراین مدیریت و سیاست انتشارات نه با دفترچه های بانکی فردی بلکه با ایده های گروهی تصمیم گرفته خواهند شد. این ممکن است محاسبه کمی از گروههایی کوچک اما مهم به حساب آید، اما این به سادگی بدان معنی است که هر ایده جدیدی به مثل تمامت تاریخ، مجبور خواهد گشت حق وجودی خود را به اثبات رساند.

حکومت شورایی آمریکا می تواند برای پژوهش و اختراع، اکتشافات، نوآوریها و تجربیات در هر زمینه ای، بودجه وسیعی اختصاص دهد. شما از معماران و مجسمه سازان متهور، شاعران غیر متعارف و فلاسفه بیباک خود غفلت نخواهید نمود.

در واقع، یانکی های شورایی حکومت آینده، در آن زمینه هایی که اروپا تا کنون استناد شما بوده است، رهبری خواهند شد. اروپایی ها درک اندکی از قدرت تکنولوژی برای تاثیر گذاری بر سرنوشت انسان دارند و بخصوص از زمان بحران، روش تمسخرانه برتری گرایانه ای نسبت به "آمریکایی"، اتخاذ کرده اند. با این حال، آمریکایی گرایان نقطه تفکیک واقعی قرون وسطی از دنیای مدرن است.

تا کنون غلبه بر طبیعت آمریکا، چنان بسیار خشن و پرشور بوده است که شما مجالی برای نوسازی فلسفه خود و یا توسعه اشکال هنری خود نداشته اید. از این رو شما به تعلیمات هگل، مارکس و داروین دشمنی ورزیده اید. سوزاندن آثار داروین توسط بابتیستهای تنسی تنها بازتابی از خام دستی آمریکایی و دوست نداشتن اصول تکامل است. این نگرش محدود به موعظه گران شما نمی شود. این هنوز بخشی از هویت عمومی فکری شماست.

بیخدا یان و همینطور Quakers شما عقل گرایان مصممی هستند. و عقل گرایان خود توسط تجربه گرایان و اخلاق گرایان تضعیف می شود. این هیچ قدرت و انرژی بی رحم خردگرایان بزرگ اروپا را ندارد. بنابراین روش فلسفی شما حتی از سیستم اقتصادی و نهادهای سیاسی شما کهنه تر است.

امروز، شما کاملاً غیرآماده، مجبور به رویارویی با این تضادهای اجتماعی که در هر جامعه ای بدون انتظار رشد می نماید، شده اید. شما طبیعت را با استفاده از ابزارهایی که نبوغ مبتکرانه شما ایجاد کرده است، تسخیر کرده اید، اما تنها درمی یابید که ابزارهای شما، هیچ کاری بجز نابودی شما نکرده است. بر خلاف تمام امیدها و آرزوهای شما، ثروت غیر قابل تصور شما، بدبختی غیر قابل تصویری را به وجود آورده است. شما کشف کرده اند که توسعه اجتماعی فرمول ساده ای را دنبال نمی کند. از این رو شما به زور به مدرسه دیالکتیک داخل شده اید – که بمانید.

هیچ راه برگشتی از این نوع تفکر و عملکرد که در قرون هفدهم و هجدهم متداول بوده است وجود ندارد.

ضمن آنکه کله خشکان رمانتیک آلمان نازی رویای بازگرداندن نژاد قدیمی جنگل تاریک اروپا را به اصل پاکش، یا ترجیحاً به کثافت اصلی اش، در سر می پروراندند، شما آمریکایی ها، پس از چنگ انداختن بر ماشین آلات اقتصادی و فرهنگ خود، روش های واقعی علمی ای را در حل اصلاح نژادی بکار خواهید بست. برای اولین بار در طی یک قرن، از دیگ آمیختگی نژادهای مختلف شما نسل جدیدی از بشریت به بیرون خواهد آمد- که بدرستی شایسته نام انسان است.

و آخرین پیشگویی پیامبرانه: در سومین سال حکومت شورایی تان در آمریکا، شما دیگر آدامس نخواهید جوید!

<http://en.wikipedia.org/wiki/Procrustes>

<http://www.marxists.org/archive/trotsky/1934/08/ame.htm>